

شرح مختصرِ برخی

غزل‌های حافظ

دفتر دوم

به اهتمام:
مرتضی مولانا



آشپاه کتاب



آشپانه کتاب

خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران،

خیابان ۱۲ فروردین، کوچه مینا، پلاک ۲۶

تهران - کدپستی ۱۳۱۴۹۵۳۶۴۱

تلفن: ۶۶۴۶۷۳۹۰ و ۶۶۴۶۳۴۳۰ دورنگار: ۶۶۹۶۷۷۷۳

<http://www.ahshyanehketab.com>

E-mail: info@ahshyanehketab.com

مولانا، مرتضی، ۱۳۰۷ - شرح مختصر برخی غزل‌های حافظ (دفتر دوم) / به
اهتمام مرتضی مولانا. ۲۱۶ ص.

تهران: آشپانه کتاب، ۱۳۸۶

جلد ۲ (جلد ۱) 964-6070-05-1 (جلد ۲) 978-964-6070-38-7
فیا

۱. حافظ، شمس‌الدین محمد -- ۷۹۲ق. دیوان -- نقد و تفسیر. ۲. شعر فارسی
-- قرن ۸ق. -- تاریخ و نقد. ۳. حافظ، شمس‌الدین محمد، - ۷۹۲ق. دیوان،
برگزیده. شرح

۸۱/۳۲ فا

PIR ۵۲۳۵ / م ۸۳ ش ۴

م ۸۴-۳۹۸۲۹

کتابخانه ملی ایران

شرح مختصر برخی غزل‌های حافظ

(دفتر دوم)

به اهتمام: مرتضی مولانا

چاپ یکم، هزار نسخه، چاپ و صحافی: گهر

شابک: ۷-۳۸-۶۰۷۰-۹۶۴-۹۷۸

شماره نشر: ۱۳۸

تهران - ۱۳۸۶

بها: ۳۲۰۰ تومان



لى خزانة اعظم من العرش و اوسع من الكرسى
واطيب من الجنة و ازين من الملكوت
ارضها المعرفة و سمائها الايمان
و شمسها الشوق و قمرها المحبة و نجومها الخواطر
و سحابها العقل و مطرها الرحمة
و اشجارها الطاعة و ثمرها الحكمة
ولها اربعة ابواب: العلم و الحلم و الصبر و الرضا
آلا و هى القلب

فهرست مطلع ها

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۹	۲۶. سحر بلبل حکایت	۱۳	۱. صلاح کار کجا و من
۷۱	۲۷. بیا که ترک فلک	۱۵	۲. صوفی بیا که آینه
۷۳	۲۸. دل از من برد	۱۷	۳. شکفته شد گل
۷۵	۲۹. چه مستیت ندانم	۲۰	۴. آن شب قدری
۷۸	۳۰. صبا وقت سحر	۲۳	۵. تا سر زلف تو در
۸۰	۳۱. هر که را باخط	۲۵	۶. المنة لله که در
۸۲	۳۲. من وانکار شراب	۲۷	۷. صحن بستان
۸۴	۳۳. کی شعر تر انگیزد	۲۹	۸. بکوی میکده هر
۸۶	۳۴. مرا مهر سیه چشمان	۳۱	۹. لعل سیراب به خون
۸۸	۳۵. صبا به تهنیت	۳۳	۱۰. روزگاریست که سودای
۹۰	۳۶. سحرم دولت	۳۵	۱۱. خم زلف تو
۹۲	۳۷. عشق تو نهال	۳۷	۱۲. صبا اگر گذری
۹۴	۳۸. نه هر که چهره	۳۹	۱۳. بنال بلبل اگر
۹۷	۳۹. مرا برندی و عشق	۴۲	۱۴. مردم دیده ما
۹۹	۴۰. آن کیست کز روی	۴۴	۱۵. راهیست راه عشق
۱۰۱	۴۱. سرو چمان من چرا	۴۶	۱۶. جز آستان توام
۱۰۳	۴۲. غلام نرگس مست	۴۸	۱۷. کنون که می دمد
۱۰۶	۴۳. واعظان کاین جلوه	۵۰	۱۸. عیب رندان مکن
۱۰۸	۴۴. تا ز میخانه و می	۵۲	۱۹. صبحدم مرغ چمن
۱۱۰	۴۵. بیش از اینت	۵۴	۲۰. ای هدهد صبا
۱۱۳	۴۶. دوش در حلقه ما	۵۷	۲۱. جمالت آفتاب
		۵۹	۲۲. دل ما بدور
		۶۱	۲۳. کسی که حسن و خط
		۶۳	۲۴. دلی که غیب نما
		۶۶	۲۵. هر آنکه جانب

فهرست مطلع ها

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
۴۷. گوهر مخزن اسرار	۱۱۵	۷۲. حالیا مصححت وقت	۱۶۹
۴۸. بکوی میکده یارب	۱۱۷	۷۳. خرم آن روز کزین	۱۷۱
۴۹. قتل این خسته	۱۱۹	۷۴. در دم از یارست	۱۷۳
۵۰. هرگز نم نقش تو	۱۲۱	۷۵. ما بی غمان مست	۱۷۶
۵۱. درازل هر کو	۱۲۳	۷۶. فتوی پیر مغان	۱۷۸
۵۲. ترسم که اشک	۱۲۶	۷۷. خیز تا از در میخانه	۱۸۱
۵۳. بخت از دهان	۱۲۹	۷۸. ما نگوئیم بد و میل بنا حق	۱۸۳
۵۴. دست از طلب	۱۳۱	۷۹. سرم خوشست و	۱۸۵
۵۵. ای صبا نکهی از	۱۳۳	۸۰. بارها گفته ام و	۱۸۷
۵۶. روی بنما و	۱۳۵	۸۱. نکته دلکش بگویم	۱۸۹
۵۷. دیگر ز شاخ سرو	۱۳۷	۸۲. مرا چشمیست	۱۹۱
۵۸. چو بر شکست صبا	۱۳۹	۸۳. ای بیک راستان	۱۹۳
۵۹. دلم ریمده شد و	۱۴۱	۸۴. ای که با سلسله زلف	۱۹۶
۶۰. هزار دشمنم از	۱۴۳	۸۵. سحر با باد می گفتم	۱۹۸
۶۱. اگر بکوی تو باشد	۱۴۵	۸۶. چو سرو اگر بخرامی	۲۰۰
۶۲. بغیر از آنکه بشد	۱۴۷	۸۷. عمر بگذشت	۲۰۲
۶۳. گرچه افتاد	۱۴۹	۸۸. که برد به نزد شاهان	۲۰۵
۶۴. دست دهد	۱۵۱	۸۹. هوا خواه توام	۲۰۷
۶۵. وزن بر دل	۱۵۳	۹۰. سحر که رهروی	۲۰۹
۶۶. به تیغم گر کشد	۱۵۶	۹۱. ساقیا سایه ابرست	۲۱۲
۶۷. من که از آتش دل	۱۵۸	۹۲. بلبل ز شاخ سرو	۲۱۴
۶۸. بی توای سرو روان	۱۶۰		
۶۹. من نه آن رندم	۱۶۲		
۷۰. دوش سودای زحش	۱۶۵		
۷۱. بمزگان سیه کردی	۱۶۷		

فهرست قافیه ها

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۷۴	۲۸. توان کرد	۱۴	۱. کز کجاست تا بکجا
۷۶	۲۹. از کجا آورد	۱۶	۲. می لعل فام را
۷۹	۳۰. در کار می آورد	۱۸	۳. ای صوفیان باددپرست
۸۱	۳۱. نهد تا باشد	۲۱	۴. در کد امین کوکبست
۸۳	۳۲. عقل و کفایت باشد	۲۴	۵. دو نیم افتادست
۸۵	۳۳. همین باشد	۲۶	۶. روی نیازست
۸۷	۳۴. دیگرگون نخواهد شد	۲۸	۷. میخواران خوشست
۸۹	۳۵. نای و نوش آمد	۳۰	۸. اندیشه تبه دانست
۹۱	۳۶. خسرو شیرین آمد	۳۲	۹. کار منست
۹۳	۳۷. کمال حیرت آمد	۳۴	۱۰. دل غمگین منست
۹۵	۳۸. سکندری داند	۳۶	۱۱. یک شمه اینست
۹۸	۳۹. علم غیب کند	۳۸	۱۲. گیسوی معنیر دوست
۱۰۰	۴۰. نکوکاری کند	۴۰	۱۳. کار ما زاریست
۱۰۲	۴۱. یاد سمن نمی کند	۴۳	۱۴. ذاکر نیست
۱۰۴	۴۲. لعل تو هوشیارانند	۴۵	۱۵. چاره نیست
۱۰۷	۴۳. کار دیگر می کنند	۴۷	۱۶. حواله گاهی نیست
۱۰۹	۴۴. مغان خواهد بود	۴۹	۱۷. یار حور سرشت
۱۱۱	۴۵. شهره آفاق بود	۵۱	۱۸. نخواهد نوشت
۱۱۴	۴۶. سلسله موی تو بود	۵۳	۱۹. چون تو شکفت
۱۱۶	۴۷. نشانست که بود	۵۵	۲۰. به کجا می فرستمت
۱۱۸	۴۸. شمع و مشعله بود	۵۸	۲۱. خوبتر باد
۱۲۰	۴۹. تو تقصیر نبود	۶۰	۲۲. لاله داغ دارد
۱۲۲	۵۰. سرو خرامان نرود	۶۲	۲۳. حاصل بصر دارد
۱۲۴	۵۱. همدم جانی بود	۶۴	۲۴. چه غم دارد
۱۲۷	۵۲. به عالم سمر شود	۶۷	۲۵. از بلا نگه دارد
۱۳۰	۵۳. نهانم نمی دهد	۷۰	۲۶. با ما چه ها کرد
۱۳۲	۵۴. جان ز تن برآید	۷۲	۲۷. اشارت کرد

فهرست قافیه ها

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۷۴	۷۴. جان نیز هم	۱۳۴	۵۵. جانی به من آر
۱۷۷	۷۵. جام باده ایم	۱۳۶	۵۶. همه گو باد ببر
۱۷۹	۷۶. که نه یار ست ندیم	۱۳۸	۵۷. روی گل بدور
۱۸۲	۷۷. و مرادی طلبیم	۱۴۰	۵۸. تازه شد جانش
۱۸۴	۷۸. دلق خود ازرق نکنیم	۱۴۲	۵۹. چه آمد پیش
۱۸۶	۷۹. از پیاله می جویم	۱۴۴	۶۰. ندارم باک
۱۸۸	۸۰. نه بخود می بویم	۱۴۶	۶۱. کار من بحصول
۱۹۰	۸۱. آن گیسو بین	۱۴۸	۶۲. چه طرف بریستم
۱۹۲	۸۲. از آن چشم و از آن	۱۵۰	۶۳. کرمش می دارم
۱۹۴	۸۳. داستان سرا بگو	۱۵۲	۶۴. غباری بنگارم
۱۹۷	۸۴. نواز آمده ای	۱۵۴	۶۵. بیمار ت بمیرم
۱۹۹	۸۵. بالطف خداوندی	۱۵۷	۶۶. منت پذیرم
۲۰۱	۸۶. هر گلی خاری	۱۵۹	۶۷. می خورم و خاموشم
۲۰۳	۸۷. به پیری برسی	۱۶۱	۶۸. عارض سوسن چکنم
۲۰۶	۸۸. هزار جم بجایم	۱۶۳	۶۹. این کارها کمتر کنم
۲۰۸	۸۹. ننوشته می خوانی	۱۶۶	۷۰. تدبیر این معجون کنم
۲۱۰	۹۰. معقا با قرینی	۱۶۸	۷۱. هزاران درد بر چینم
۲۱۳	۹۱. خود تو بگوی	۱۷۰	۷۲. و خوش بنشینم
۲۱۵	۹۲. مقامات معنوی	۱۷۲	۷۳. وز پی جانان بروم



مقدمه دفتر اول

این شرح مختصر با توجه به محتوای مثنوی سبحة الابرار جامی و شرح لاهیجی بر گلشن راز، و با استفاده از دو رساله خطی مصطلحات صوفیه، عرضه می‌گردد، که یکی منسوب به شیخ عبدالرزاق کاشانی، شامل یکصد و هشت اصطلاح است و تاریخ تسوید و نسخه بردار آن معلوم نیست. و آن دیگر تالیف ملا علی آقامولانا متوفی ۱۳۴۴ قمری است که شامل دویست و سی و سه اصطلاح و بدون تاریخ است.

پس از مقابله اصطلاحات و تعبیرات این دو رساله، معلوم شد فقط در سی و هشت مورد، هر دو رساله، بابت اختلاف لفظی، اظهار نظر یکسان دارد، و در سایر موارد، نظرات متفاوت است.

غزل‌های بیشتر از دیوان اصلاح شده علامه قزوینی و دکتر غنی و دیوان دکتر خاخرانی انتخاب شده است. بدیهی است در هر غزل حافظ، کلماتی که می‌تواند دارای مفهوم عرفانی باشد، در همه جا، منطبق با مدلول اصطلاحات مذکور در این رسائل نیست، زیرا خواجه یک کلمه را، در موارد متعدد، به معانی مختلف، گاهی عرفانی و گاه با استعارات لغوی به کار برده است، که تشخیص و دریافت معنی مورد نظر وی با اشکال مواجه می‌شود.

سخن آنجا که شود تنگ مجال
مرغ معنی نگشاید پروبال
معنی آنجا که نهد پای بلند
از عبارت نتوان ساخت کمند

برای رفع این اشکال، و دستیابی به معنای نزدیک به منظور خواجه، توجه به مفاهیم کلی غزل عرفانی، و معتقدات او، تا حدی راه‌گشاست ولی بی‌شک ارتباط معنایی منسجم تمام ابیات یک غزل، بیش از موارد دیگر، در تعیین چگونگی شرح آن مؤثر خواهد بود.

گرچه این بنده ضعیف، حافظ شناس یا حافظ پژوه نیست، و به هیچ وجه قصد ندارد، و نمی‌تواند، در مباحث ادبی و معانی و بیان وارد شود، و یا برای اثبات نظر خود، از سایر شعراء شاهد بیاورد، تحقیق در مورد نظرات خواجه که آیا مسبوق به سابقه بوده، و اگر بوده، چه کسانی در او مؤثر بوده‌اند، به عهده ادبا و فضلائ است که در این موارد به تفصیل داد سخن داده‌اند.

ولی این بنده معتقد است که هر غزل عرفانی دارای یک مفهوم کلی است که شاعر آن را در ابیاتی چند عرضه داشته است، و نسخه برداران که اکثر به معانی ابیات و ارتباط آن به هم، توجهی نداشته، و فقط قافیه را مدنظر قرار می‌داده‌اند، بسا محل بی‌بیتی را ناخودآگاه، جا به جا نقل کرده‌اند، بی‌بیتی که از نظر ارتباط معنی باید در مرتبه دوم غزل باشد، در مرتبه پنجم و بالعکس قرار گرفته، و همین موجب از هم گسیختگی در معنای ابیات غزل شده است، و عده‌ای از ادبا معتقد شده‌اند که انسجام و ارتباط کلی، به عبارت دیگر وحدت موضوعی، در معنی یک غزل ضرورت ندارد، در حالی که اگر هر بیت از نظر معنی در جای مربوط خود قرار می‌گرفت، و ارتباط معنایی ابیات حفظ می‌شد، شاید این مشکل پیش نمی‌آمد.

هر غزل، در حکم یک تابلوی نقاشی است که گویای یک فکر منسجم است و اگر موضوعی نامتجانس در

یک تابلو، دیده شود، نقص بزرگ نقاش را اثبات می‌کند، علاوه آن که پای بندی به این نظریه، می‌تواند یکی از ارکان تشخیص ابیات مجعول و الحاقی به غزل‌ها باشد.

این بنده ضعیف با توجه به این موضوع، که هر غزل، دارای یک معنی منسجم است، در بعضی موارد، ناگزیر محل ابیات غزل را به تناسب معنی، جابه‌جا کرده است تا ترتیب و توالی معنی ابیات، دستیابی به مفهوم کلی غزل را آسان سازد. و اگر جز این بود، ابیات بسیاری در هر غزل، دارای معانی نامرتبط با کل غزل می‌شد. این شرح عنوان عرفانی ندارد، زیرا عرفان به بیان نمی‌آید و نمی‌توان با گفتار و نوشتار آن را شرح داد، عرفان دیدنی و چشیدنی است، سالک تا نبیند و نجشد، درک نمی‌کند، امری شهود است که با هیچ گفتاری تشریح نمی‌شود، کامل‌ترین نوشتارهایی از این دست، فقط می‌تواند، علائم راه را برای مبتدیان سلوک باز گوید. به همین جهت از هشتاد و دو غزل مشروحه، چند غزل به اصطلاح غیر عرفانی انتخاب شده است تا عنوان شرح، عرفانی نباشد.

شرح یک متن، ممکن است برای خوانندگان که بافت‌های متفاوت فکری دارند منجر به تفاسیر مختلف شود، تفسیر یک متن برای بعضی قابل قبول باشد و برای بعضی دیگر غیر موجه، و شاید هم بنا به خلق و خوی خواننده، حتی موجب هجو آن گردد، و این از آن جهت است که تفسیر دیده‌ها و شنیده‌ها، نوشته‌ها و خواننده‌ها، اساسی‌ترین کار انسان عاقل است، که موجب درک روشن قضایا می‌شود.

چنین تفسیری، متأثر از عوامل متعددی است، نظیر اوضاع و احوال اجتماعی و شرائط زمان و مکان، که مهمترین آن وجود رابطه فکری مفسر یا شارح، با متن مورد تفسیر است، که در اینجا این رابطه بسیار اندک بوده، و این ضعیف که از عرفان و تصوف هم، بی بهره است، توفیق لازم نیافت که با اندیشه صاحب متن، چنان رابطه فکری ایجاد کند، که بتواند مفاهیم قطعی مورد نظر او را انتقال دهد. چون: وصف دریا، قطره را میسور نیست.

و آن چه انتقال یافته، مفهومی مختصر از اصطلاحات اهل تصوف و عرفان است که با توجه به مفهوم منسجم هر غزل به دست آمده، که خواجه آن را در کلمات زیبا و دلنواز و روح بخش هر بیت متبلور کرده است به گونه‌ای که هر کلمه آن چون گوهری تراش خورده به دست جواهرسازی ماهر، مرتب شده است و نمی‌توان هیچ کلمه دیگری بهتر از آن برگزید که دارای همان معانی باشد، و شاعران بعد از او، منتهای مهارت و استادی خود را در ساختن بیتی از آن قبیل قرار می‌دادند که در صنعت شعر هم، کمتر توفیق داشته‌اند، تا چه رسد که به مفهوم تمام غزل بیندیشند.

به همین جهت است که می‌توان، از این دیدگاه هم ابیات مجعول و الحاقی را از اصل باز یافت. این بنده ضعیف، چنین متن دلپذیری را که در هر بیت آن چند معنی متفاوت می‌توان یافت، به کلماتی ناموزون، با مفاهیم خشک و سرد و پیچیده انتقال داده‌ام، که از دیدگاه بعضی نامطلوب است و بعضی دیگر که سخن آشنا می‌شنوند، آن را آرام بخش و روح افزا می‌یابند.

این امر مربوط به ماهیت موضوع است، زیرا مفاهیم کلی عرفانی چنین اقتضا دارد.

خواجه عرفان چند هزار ساله را از ادیان الهی صاحب کتاب و مذاهب مختلف آن و آداب و سنن مرسوم در دیر مغان زردشتیان و کنشت یهودیان و صومعه ترسایان و مسجد مسلمانان، با توجه به اوضاع

اجتماعی و شرائط زمان و مکان خود، به چنان ابیات نغز منتقل نموده است که نظیرش محال می‌نماید. آنچه او در غزل‌های عرفانی خود انتقال داده، همان مفاهیم خشک و سرد و پیچیده عرفان است، که با استادی غیر قابل وصفی، بد قالب کلامی دلپذیر ریخته است.

و این توفیق ناشی از تسلط او به تمام کتب آسمانی و مذاهب گوناگون ادیان مربوطه و درک حقیقت عرفان اسلامی است که تفضل الهی هم شاملش بوده است.

جمع این مزایا که مجموعه مراد شده، به یقین از ریا و تزویر دور بوده و برای دیگران میسر نشده است، و چون همواره محتسب را بیدار و چوب تکفیر را برقرار می‌دید، لاجرم هر بیت را آن گونه سرود که بتوان در مواقع لزوم معانی متفاوتی از آن دریافت تا وسیله‌ای هم برای دفع مزاحمت محتسب باشد.

در شرح هر غزل سعی شده است، حداکثر اختصار و ایجاز غیر مؤهل و ساده نویسی رعایت شود، فقط در مواردی که غزل مورد مناقشه و بحث‌انگیز بوده است ناچار این اصل رعایت نشد، نظیر غزل‌های خطای صنع و حدیث سرو و گل و لاله و بار امانت که شرح آن به درازا کشید.

در نظر بود، کلماتی که با اصطلاح عرفانی تعبیر شده است، به ترتیب در پایان هر غزل معادل آن هم ذکر شود، ولی به توصیه یکی از سروران ارجمند با توجه به کتب چاپی اصطلاحات صوفیه، که در دسترس عموم است، از این کار صرف‌نظر شد، فقط در دو مورد، کلمات و اصطلاحات مربوطه ذکر گردید، تا ترتیب کار برای خوانندگان مشخص باشد.

اگر ایرادی هست، که به یقین هست، بر این بنده است که به علت کجولت و عارضه نسیان، شاید نتوانسته باشد، چنان که باید از مفاهیم غزل‌ها بهره‌مند شود، و آنچه معروض افتاد، متأثر از بافت فکری این ضعیف است که نمی‌توان به حقانیت آن تأکید کرد، به خصوص که در چند ماه اخیر، بیماری هم به مبارک باد آمد و نهیب حادثه بر شتاب کار افزود.

از ارباب فضل و ادب التماس‌ها دارد که این شرح را به لطف بنگرند و موارد اشتباه و غلط را با جایگزینی کلمات و جملات درست و دلنواز و یربار خود، که معمول به آن بزرگان است، به نشانی ناشر محترم، کرامت فرمایند، تا اگر عمری باقی بود، به یمن دست‌خط آن بزرگواران اصلاح شود.

اینک مغتنم است از جناب آقای احمد عطائی مؤسس انتشارات عطائی به پاس دقت نظرشان و جناب آقای مجید عطائی مؤسس انتشارات آشیانه کتاب، که در چاپ و نشر این شرح قبول زحمت فرموده‌اند و همچنین از تمام همکاران گرامی ایشان سپاسگزاری کنم و اجر زحمات فرهنگی آن عزیزان را از خداوند منان بخواهم.

مرتضی مولانا

۸۴/۸/۲۰

مقدمه دفتر دوم شرح مختصر برخی غزل‌های حافظ

شرح غزل‌های این دفتر، بهمان روش دفتر اول انجام شده است، لذا مقدمه دفتر اول هم پیوست گردید تا ترتیب کار و مستندات آن معلوم باشد.

در اینجا ذکر چند مورد ضروری است:

اگر باور داشته باشیم که حافظ منویات و معتقدات مذهبی خود را هم در برخی از غزل‌ها بیان کرده است، برای دستیابی به سیر تحولات فکری او، و آخرین باورهایش، باید تاریخ سرودن هر غزل معلوم باشد تا با سال‌های عمر او تطبیق گردد و نتیجه مطلوب بدست آید، در حالی که در این مورد هیچ‌گونه سندی وجود ندارد، فقط در بعضی غزل‌ها، نام ممدوحی ذکر شده که آن هم معلوم نیست مربوط به چه سالی از عمر آن دو بوده است، لذا این ضعیف معتقد است در چنین وضعی، هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به حاصل افکار و عقاید حضرت خواجه اظهار نظر قطعی کند، بخصوص نوابغی چون او که دائم در معرض افکار متضاد و مختلف اند و هر روزشان با روز دیگر متفاوت است، می‌توانند از آنچه که برای بنده‌ی چون این ضعیف، قابل تصور نیست دست آورده‌های عدلی داشته باشند.

به همین جهت این بنده در شرح این مختصر، هیچگاه در صدد نبوده‌ام که به نحوی از انحاء و به میل خود موضوعی را به او نسبت دهم، یا او را از آن میراکنم، و چون مستند این شرح همان اصطلاحات صوفیه است که هیچ مبنا و معیار منطقی و مستدلی ندارد و اعمالی که به آن نسبت داده می‌شود به تعامی حاکی از مفاهیم ذوقی و احساسی است، دریافت صحت و سقم شرح بامتن هر غزل، فقط در عهده بزرگان حافظ شناس و حافظ پژوه اهل اصطلاح است، و این بنده که از تصوف و عرفان هم نصیبی ندارم، فقط در برگردان کلمات و عبارات، آنهم در حد فهم خود دقت و امانت بکار برده‌ام.

دوم - چنانکه در مقدمه دفتر اول معروض شد، برای دستیابی آسان‌تر به معنای منسجم هر غزل، ترتب و توانایی بیت‌ها، بسیار مؤثر است که در مواردی باقتضای وحدت موضوع، جابجایی در سجع بعضی ابیات بعمل آمد، که قبلاً گمان می‌رفت بی ترتیبی ابیات فقط ناشی از تسامح نسخه برداران بوده است، ولی اینک با توجه به شواهد متعدد، احتمال می‌رود که خواجه خود، به جهاتی در این کار تعمّد داشته است.

دیگر آنکه شرح قسمتی از غزل‌های دفتر اول، در زمان بیماری این ضعیف انجام شد، که در مواردی شبانزدگی موجب بی دقتی گردید، امید است اگر عمری باقی بود و چاپ بعدی هم لازم شد، نواقص آن دفتر رفع گردد.

در خاتمه لازم است بنویسم که قسمتی از شرح غزل‌های این دفتر، در فاصله پیک حامل نا دقتی که باید تائب می‌کرد، مفقود شد، جستجو و آگهی‌های متعدد برای یافتن آن بی فایده بود، و چون پیش نویس‌ها هم از بین رفته بود، ناچار با مرارت مضاعف شرح قسمتی از آن تجدید گردید.

صلاح کار کجا و من خراب کجا
 بسین تفاوت ره کز کجاست تا بکجا
 بشد که یاد خوشش باد روزگار وصال
 خود آن کرشمه کجا رفت و آن عتاب کجا
 دلم ز صومعه بگرفت و خرقه سالوس
 کجاست دیر مغان و شراب ناب کجا
 چه نسبت است به رندی صلاح و تقوی را
 سماع و عظم کجا نغمه رباب کجا
 ز روی دوست دل دشمنان چه دریابد
 چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا
 چو کحل بنیش ما خاک آستان شماس
 کجا رویم بفرما ازین جناب کجا
 مبین بسیب زنخدان که چاه در راه است
 کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا
 قرار و خواب زحافظ طمع مدار ای دوست
 قرار چیست صبوری کدام و خواب کجا